

## طیف‌بندی مردم در جنگ شناختی

### و نقش بازیگران در نبرد هوشمند به‌عنوان سرمایه انسانی\*

- محمود کشاورز<sup>۱</sup>
- امیر سیاهپوش<sup>۲</sup>
- حسین ارجینی<sup>۳</sup>
- علی محمد نائینی<sup>۴</sup>

#### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تحولات فکری، فرهنگی گسترده در ساختارهای نظام جمهوری اسلامی، سبب برتئاییدن قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و مقابله مداوم با اساس و بنیان‌های نظام بوده است. با گسترش دانش‌های نوین در عرصه‌های مختلف، روش‌های مقابله‌ای نیز تغییر یافته است. جنگ شناختی به‌عنوان یکی از حوزه‌های کاربردی علوم شناختی، مفهومی است که در سالیان اخیر به‌صورت تکامل یافته‌تر، پیشرفته‌تر و اثرگذارتر از دیگر عرصه‌های

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (sardarbipelak@yahoo.com).
۲. استادیار گروه آموزشی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (siahpoosh@maaref.ac.ir).
۳. دانشیار گروه آموزشی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (arjini@maaref.ac.ir).
۴. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) (naeini.1338@yahoo.com).

نبرد، با هدف بهره‌برداری از اسرار ذهن و قلب، با کارکردی شناختی و متکی بر زیرساخت‌های نوین مورد توجه واقع شده است. بازیگران اصلی در عرصه شناختی نخبگان جامعه هستند و بهره‌مندی از پشتوانه سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از منابع قدرت در جنگ شناختی در مقابله با دشمن و استفاده همه‌جانبه از تمام ظرفیت‌ها نقطه اتکال در این رهیافت است. در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که طیف‌های مختلف مردم در مواجهه با جنگ شناختی کدام‌اند و نقش بازیگران در این نبرد هوشمند به‌عنوان یک سرمایه مهم انسانی چه تأثیری در نوع مواجهه دارد؟ روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی - توصیفی است و احصاء داده‌ها بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای شکل گرفته و دستاورد پرداختن به این موضوع سبب ایجاد سیاست‌های حاکم بر نظام مقابله‌ای و شکل‌گیری یک سازوکار مفهومی در عرصه جنگ شناختی می‌گردد که حاصل آن در مرحله ابتدایی، عمق‌بخشی، تأثیرگذاری هوشمندانه، هدفمند و متعالی در سطح جامعه، و در لایه بعدی، واکنش‌پذیری و مصون‌سازی فرهنگی بازیگران و جامعه است که در نهایت منجر به شکل‌گیری تشکیلات منسجم کارآمد و منعطف و بهره‌مندی از قابلیت شبکه‌ای نخبگان می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جنگ شناختی، طیف‌بندی مردم، بازیگران، نبرد هوشمند، نخبگان، سرمایه انسانی.

### مقدمه و بیان مسئله

گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و حرکت رو به جلوی راهبردی بر اساس مبانی و آرمان‌های انقلاب و عبور از دوران بسیار حساس و پرفراز و نشیب، نیازمند آسیب‌شناسی تحولات گذشته و فرصت‌شناسی اتفاقات آینده است. به‌همین منظور و به‌جهت شناخت صحنه، نیازمند وضعیت‌شناسی نسبت به تحولات و اتفاقات گذشته، حال و آینده نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم.

دشمن همواره تمام سعی و تلاش خود را در جهت تغییر اعتقادات و باورها، افکار و اندیشه‌ها و رفتار انسان‌ها به کار بسته است، تا بتواند در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... به‌وسیله بازیگران این عرصه، ضربات مهلکی را به نظام جمهوری اسلامی وارد سازد. اجرای پروژه‌های براندازی راهبردی در سه عرصه

ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی، نمونه‌ای از اقدامات عملی دشمن در این زمینه می‌باشد.

با توجه به حملات دشمن در جنگ شناختی، نیازمند دفاعی همه‌جانبه هستیم تا بتوانیم از تمام ظرفیت‌های نظام اسلامی جهت مقابله با دشمنان بهره بگیریم. استفاده از مهندسی معکوس در مقابل حملات دشمنان در کنار عمق‌بخشی و تأثیرگذاری هوشمندانه به سمت مصون‌سازی مخاطبان، یکی از موارد مقابله است.

لازمه روشن شدن پیچیدگی‌های صحنه با توجه به حرکت همه‌جانبه و چند لایه‌ای دشمن در این عرصه و تحلیل درست نسبت به مسائل و تصمیم‌گیری متناسب با رویدادها و حرکت واقع‌بینانه در این نبرد، شناخت دقیق بازیگران عرصه نبرد هوشمند است.

جنگ شناختی فقط مبارزه با آنچه مردم فکر می‌کنند، نیست؛ بلکه مبارزه با طرز تفکر آنهاست و اگر بتوان طرز تفکر مردم را تغییر داد، بسیار قدرتمندتر و فراتر از اطلاعات به‌دست‌آمده برای نبردهاست. محدوده این نبرد، از فرد گرفته تا دولت‌ها و سازمان‌های چندملیتی را در بر می‌گیرد و دامنه جهانی دارد.

بازیگران این عرصه، در دو لایه به‌هم‌پیوسته، به عموم مردم و نخبگان جامعه تقسیم می‌شوند (محمدی نجم، ۱۳۹۶: ۲۳). نخبگان در یک جامعه (علمی، صنفی، اجتماعی، سیاسی و...) به‌عنوان بازیگران اصلی، پیاپی در لایه‌های مختلف با توجه به دسترسی‌های خود، نقشی تأثیرگذار در سطح جامعه دارند. فراموش نشود که پیوسته در معرض پیام‌های مختلف صادرشده از سوی دشمن هستیم، که خودآگاه و یا ناخودآگاه قوه ادراکی ما در حال تغییر است. حال مردم با وجود این پیام‌ها (در کنار بازیگران اصلی) نقش تأثیرپذیری را داشته و این تحولات در سطح اجتماع و در تصمیم‌گیری‌های فردی نقش دارد (کشاوری، ۱۴۰۲: ۳۴). بهره‌مندی از ظرفیت سرمایه انسانی به‌عنوان یکی از منابع قدرت در جنگ شناختی در مقابله با دشمن و استفاده همه‌جانبه از تمام ظرفیت‌ها، نقطه اتکال در این رهیافت است.

تأثیرگذاری این بازیگران بر اقشار مختلف مردم نیز اهمیت دارد. لذا به‌جهت جلوگیری از انحراف معیار باید ابتدا طیف‌های مختلف مردم را شناخت و سپس با

توجه به پارادایم شکل گرفته در هر قشر، دست به اقدام متناسب در عرصه شناختی زد. در جنگ شناختی و با توجه به شکل گرفتن شبکه نیروی انسانی، بسیاری از اختلافات و تضادهای بین نخبگان به دلیل وجود اختلاف در زاویه دید و نحوه نگرش آنهاست و از آنجا که هر کس فقط زاویه دید خود را درک می‌کند، گمان می‌کند که این تنها نتیجه‌گیری درست است. معمولاً ذهن افراد در چارچوب ذهنی خودشان قفل می‌شود و به همین دلیل، نگرش متفاوت دیگران را درک نمی‌کنند. چارچوب‌های ذهنی افراد، نحوه نگاه آنها به خودشان، دیگران، رویدادها، اشیا، مناظر و خلاصه دنیای اطراف را تعیین می‌کنند. به همین دلیل، افراد مختلف هنگام تشریح یک حادثه یا یک موضوع یا منظره، تعریف‌های کاملاً متفاوتی ارائه می‌دهند. پس به جهت جلوگیری از این اتفاقات لازم است با یک نگاه عمیق راهبردی نسبت به مسائل با توجه به جایگاه تحلیل، اقدام به تبیین صحنه نماییم و به همین دلیل و به جهت جلوگیری از خطای محاسباتی، این نوشتار شکل گرفته است.

### اهمیت، اهداف و فرضیه پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بیان طیف‌های مختلف مردم در جنگ شناختی و تبیین نقش بازیگران در نبرد هوشمند به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی است. البته از نظر کاربردی با توجه به اینکه بازیگران اصلی این عرصه، نخبگان جامعه هستند نیز ممکن است منجر به ایجاد چالش اجتماعی و درگیری ذهنی توسط نخبگان در سطح جامعه هدف گردد، و به همین دلیل است که اهمیت این پدیده در جنگ شناختی مهم است.

فرضیه‌ای که می‌توان برای این نوشتار در نظر گرفت، بدین صورت است که: مطمئناً در نبرد هوشمند شکل گرفته، نقش بازیگران عرصه شناختی بسیار مهم و حیاتی است و اهمیت این نقش را می‌توان در طیف‌های مختلف مردم جستجو نمود؛ لذا کنشگری نخبگان جامعه به‌عنوان بازیگران عرصه شناختی و نقش آنان به‌عنوان یک سرمایه مهم انسانی - اجتماعی، در کنار بقیه عناصر به‌سان یک قدرت هوشمند محسوب می‌گردد.

## پرسش‌های پژوهش

ما در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که: طیف‌های مختلف مردم در جنگ شناختی کدام‌اند و کنشگری بازیگران در نبرد هوشمند به‌عنوان سرمایه انسانی چه تأثیری بر این طیف‌ها دارد؟

برای پاسخگویی به این پرسش نیازمند سؤالات فرعی دیگری نیز هستیم؛ از آن جمله:

- ارتباط بین چالش‌های اجتماعی و درگیری ذهنی در حملات شناختی به چه صورت می‌باشد؟

- مسائل و چالش‌های ذهنی و نقشه ذهن و پارادایم حاکم بر ذهن چیست؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از بُعد محتوایی به دنبال تبیین طیف‌های مختلف مردم و نقش بازیگران در تأثیرگذاری بر طیف‌های مختلف است؛ لذا روشی که مورد استفاده قرار گرفته است، روش توصیفی، تحلیلی است.

در تحقیقات توصیفی، محقق به دنبال «بیان» و «چگونه بودن» موضوع است که شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌شود. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارند، هم جنبه مبنایی، که در بعد کاربردی، از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود.

پژوهش حاضر، ترکیبی از روش اسنادی - کتابخانه‌ای است. روش اسنادی، روشی کیفی است که پژوهشگر با مطالعه نظام‌مند از متون به کشف، استخراج و ارزیابی مطالب مرتبط با پژوهش خود می‌پردازد. از امتیازات و ویژگی‌های روش اسنادی می‌توان به بُعد سهل و آسان بودن، کاربردی بودن، استفاده از آن در بخش چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق نام برد.

### پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش حاضر در دو سطح قابل ارزیابی است:

- ۱- پژوهش‌های مشابه پژوهش حاضر؛ یعنی پژوهش‌هایی که به بررسی جنگ شناختی و ابعاد آن و تأثیرگذاری بر جامعه هدف پرداخته‌اند.
- ۲- پژوهش‌هایی که پیرامون طیف‌بندی مردم، نخبگان و بازیگران مختلف در جنگ شناختی انجام شده‌اند.

البته نباید از پژوهش‌های صورت گرفته درباره ابعاد مختلف نفوذ جهت انهدام ارزش‌ها و باورها، که به‌طور ضمنی حاوی دلالت‌هایی در مسئله تحقیق حاضر است نیز غافل شد. با توجه به نوپدید بودن این بحث و تحقیقات میدانی صورت گرفته در سطح نخست باید گفت، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که به‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با زوایای جنگ شناختی و ترجمه‌های پدیدآمده از مقالات حول این محور با نگرش نظامی صرف، تا کنون پژوهشی مستقل و یا جامع در رابطه با موضوع تحقیق حاضر صورت نگرفته است و پژوهشگران توجه چندانی به این مسئله نداشته‌اند. در این سطح با اندکی اغماض می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

مقاله «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا. ایران و راهبردهای مقابله با آن» (کلانتری، ۱۳۹۵) به بررسی جنگ‌های آینده در هفت بُعد و بهره‌مندی از ده ویژگی راهبردی می‌پردازد و اشاراتی نیز به موقعیت راهبردی نیروهای مسلح در جنگ‌های آینده دارد. مقاله دیگر، «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آراء و اندیشه امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup>» (ایزدی و رحیمی، ۱۴۰۰) است که پیرامون نفوذ مستقیم و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر سه حوزه تشخیص، تصمیم و اقدام، در جهت برهم خوردن منافع کشور اشاره دارد.

از امتیازات پژوهش‌های فوق، بررسی ابعاد مختلف جنگ‌های آینده توسط دشمن در ابعاد مختلف رزم و همچنین اشاره به الگوهای ارائه‌شده در سطح راهبردی است؛ اما از مهم‌ترین کاستی‌های این تحقیقات، عدم تطبیق جنگ‌های شناختی بر حوزه‌های معرفتی انسانی و همچنین ذهن و ابعاد آن است.

سطح دوم پژوهش‌ها، آثاری هستند که به طیف‌بندی مردم، نخبگان و بازیگران مختلف در جنگ شناختی پرداخته‌اند. در این سطح می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

کتاب *شبکه‌سازی* (پاکدامن، ۱۴۰۱)، که به برخی از ضرورت‌ها و اصول مربوط به شبکه، البته در جریان فعالیت‌های فرهنگی پرداخته است. در این کتاب و برخی از کتب مشابه، به نقش بازیگران و کنشگران عرصه فرهنگی و فعالیت آنان در جبهه انقلاب اشاراتی شده است؛ اما عدم نگاه راهبردی در ایجاد و به‌کارگیری شبکه، تقسیم‌بندی دقیق طیف‌های مخاطب، تعیین نقش، تعیین جامعه هدف و... از جمله کاستی‌های این کتاب می‌باشد. «گونه‌شناسی طبقات اجتماعی» که توسط وبگاه اندیشه قم نیز منتشر شده است، در ضمن آیات قرآن و با نگاه تاریخی، به قشربندی در جامعه و چندقطبی شدن آن در پرتو آیات و تاریخ پرداخته داشته است. البته در همین راستا، مقاله «دسته‌بندی‌ها و طبقات مختلف جامعه از دیدگاه اسلام با تکیه بر نامه امام علی (ع)» به مالک اشتر» (هادی اصل، ۱۳۸۹) نیز در همین مسیر اقدام نموده است. «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام» (عبدالله‌پور و اسکندر جعفرزاده، ۱۳۹۱)، از جمله مقالاتی است که با نگاهی اسلامی و بر مبنای تقسیم‌بندی رایج اقشار مختلف جامعه اسلامی، به مسئله پرداخته است.

از جمله مقالات دیگر با نگاهی اجتماعی‌محور، مقاله «جایگاه طبقه اجتماعی در جامعه‌شناسی کلاسیک» (میترا رفعت برزشی) و همچنین «تأملی بر مقاله "درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار" و نسبت آن با علوم اجتماعی در ایران» (اسماعیلی، ۱۳۸۸) هستند که صرفاً تقسیم‌بندی‌های کلاسیک ارائه‌شده در جامعه‌شناسی را مطرح و بیان می‌نمایند. البته با توجه به فراوانی بسیار زیاد مقالات در مسیر علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی و رویکرد خاص این مدل از منابع تا حدودی از مباحث را پوشش می‌دهند؛ اما به‌صورت خاص پیرامون جنگ شناختی و نگاه برون‌دادی به این پدیده، مطلبی یافت نشده است.

### چارچوب نظری تحقیق

به‌طور کلی پیرامون نبردهای آینده و به‌طور خاص جنگ شناختی (بعد پنجم جنگ) با توجه به تعاریف ارائه‌شده و متکی بر نظریات پایه‌ای، چارچوب‌های نظری

مختلفی بیان شده که اغلب در حوزه نظامی دارای کاربرد است، که با توجه به اهمیت تبیینی این پژوهش و به جهت رسیدن به اشباع نظری، به صورت خلاصه، نظریه پایه‌ای آن بیان می‌گردد:

نکته حائز اهمیت در این مبحث، پرداخت به مباحث کلی جنگ شناختی است. به دلیل وجود یک قالب کلی در بحث و تطبیق عرصه‌های مشخص شده هشت گانه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی، امنیتی، علمی، و به طور ویژه رسانه‌ای) لاجرم باید به این نظریات که حول محور کارکرد نظامی جنگ شناختی است، پرداخت و پس از بیان آن، تطبیق در نبرد هوشمند داشت.

نظریه ابعاد جنگ: بُعد پنجم؛ در نظریه ابعاد جنگ، شناخت به عنوان بُعد پنجم در کنار ابعاد چهارگانه سطح، زیرسطح، فراسطح و زمان، معنا می‌شود. نظریه بُعد پنجم، درصدد است در کنار ابعاد مکانی و زمانی پدیده اجتماعی جنگ، مفهوم استعاری ذهن و شناخت را به عنوان بُعد پنجم جنگ بازنمایی کند. بازنمایی این بُعد، از مختصات دوران پسامدرن است (3: Claverie & Cluzel, 2022).

با ورود فناوری اطلاعات و توسعه شبکه مجازی، قابلیت‌های این عرصه به ابعاد چهارگانه قبلی اضافه شد. استعاره ذهن و شناخت، به عنوان بُعد پنجم جنگ یا همان جنگ شناختی، شناسایی و مفهوم‌سازی شد (محمدی نجم، ۱۳۸۹: ۱۵). در این استعاره، فضای مجازی به «ذهن» تشبیه، و فعالیت‌های ناظر بر دریافت و تجزیه و تحلیل و انتقال داده‌ها به عنوان «فعالیت شناختی» تعبیر می‌گردد.

نظریه پردازان مفهوم جنگ شناختی اعتقاد دارند که فضای مجازی، عمده منبع «شناخت» در دوران پسامدرن خواهد بود (فولادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۵-۱۰۴). عمده روابط انسان در دوران پسامدرن بر اساس داده‌ها و اطلاعات تبادل شده و تجزیه و تحلیل شده در این فضا سامان می‌یابد. جامعه و خرده نظام‌های اجتماعی که محصول روابط نظام‌مند افراد انسانی است نیز بر همین اساس، نظم و نظام و ساختار می‌یابد.

عرصه «ذهن» و «فعالیت شناختی» در عصر اطلاعات، همان گونه که مهم‌ترین عرصه برای سامان‌دهی نظم و نظام اجتماعی است، مهم‌ترین بستر برای آشوب و جنگ نیز خواهد بود. هر طرف از جنگ که سلطه بیشتری بر زیرساخت‌ها یا فرایند دریافت و



تجزیه و تحلیل و انتقال داده‌ها و اطلاعات داشته باشد، عملاً در معرض کنترل جوامع بر اساس اراده خود است. با این توضیح، جنگ شناختی در پارادایم نظامی جنگ و با تعریف سنتی آن، معنا و مفهوم می‌یابد و با شرایط دوران پسامدرن و عصر اطلاعات تطبیق می‌یابد. مرور نظریه‌های برخی آینده‌پژوهان و نظریه‌پردازان اجتماعی، ابعاد مختلف جنگ شناختی به این معنا را روشن‌تر خواهد کرد.

با توسعه مفهوم جنگ شناختی به عرصه‌های نوپدید، تبیین‌های نظری مرتبط با جنگ شناختی نیز بسط می‌یابد. در ذیل به تبیین‌های نظری توسعه‌یافته از جنگ شناختی با توجه به موضوع مورد بحث اشاره خواهد شد:

نظریه جنگ دانشی یا جنگ ایده‌های آکادمیک؛ در این جنگ، اثرگذاری اهداف نظامی از طریق تمرکز بر «دانش» به‌عنوان یک فرایند اجتماعی صورت می‌پذیرد، که در روان‌شناسی علم و یا جامعه‌شناسی معرفت از آن بحث می‌شود. در رویکرد روان‌شناسی علم، مفهوم «تخصیص شناختی» پیازه و ویگوتسکی، یکی از شاخص‌ترین تبیین‌های نظری در این عرصه است (Hartley III & Jobson, 2021: 15-17).

بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی معرفت (با کاربرد از نظریه فوکو) در ضمن تمرکز بر مفهوم دانش در شکل‌گیری «جامعه» و «نهاد اجتماعی» به‌نوعی شناخت نیاز داریم که در مجرای «دانش آکادمیک» در دوران معاصر، مهندسی و معماری حکمرانی در جهان در دست نهادهای قدرت قرار گیرد و این همان جنگ دانش است.

دانشمندان علوم اجتماعی در این جنگ، نقش بسیار مهمی در سامان‌دهی و هدایت جامعه بر عهده دارند. در جوامع مدرن که حکومت‌ها با استفاده از ظرفیت نخبگان به اداره جامعه خود می‌پردازند، نوع «شناخت» نخبگان در سامان‌بخشی به نهادهای اجتماعی و جامعه بسیار اثرگذار بوده و چه بسا بر ذهن قانونگذاران، قضات، کارشناسان و مشاوران و در یک عنوان «تصمیم‌سازان» بسیار مؤثر است.

فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، سازمان‌های مردم‌نهاد و... به‌عنوان تأثیرگذاران و عوامل قدرت در سطح جامعه می‌توانند ایده‌های همسو با نخبگان را به کف جامعه انتقال دهند و بازنمایی و پشتیبان‌کننده این ایده‌ها باشند. عموماً این ایده‌ها از مسیر آکادمیک خود و به‌طور خاص از مراکز علمی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه)

تولید شده و به وسیله نخبگان مهندسی اتفاق می‌افتد و در سطح جامعه انتشار می‌یابد. نظریه جنگ اتاق‌ها؛ منظور از این نظریه، مفهومی توسعه‌یافته از واژه «اتاق فکر» مرسوم است که در تعبیری دیگر به «جنگ اندیشکده‌ها» نیز تعبیر شده است. جنگ شناختی در فضایی برنامه‌ریزی‌شده در اتاق فکر و یا اندیشکده‌های راهبردی عملیاتی می‌شود که قالب اصلی این اندیشکده‌ها بر مبنای بارش فکری کنشگران راهبردی و عملیاتی شکل می‌گیرد. تعبیر «میز اتم» نیز تعبیری متناسب برای فضای اندیشکده‌ای و یافتن راه حل مسائل در اندیشکده‌هاست که در سال‌های گذشته، این تعبیر به‌روزرسانی شده و نتایج آن را در ابعاد مختلف درگیری شاهد هستیم (Kauppi, 2014: 330-332). خوانش جدیدی از جنگ اتاق‌ها نیز وجود دارد که سعی در شبیه‌سازی اتاق‌های فکر جبهه رقیب دارد تا از این رهگذر، به مدل تصمیم‌سازی و راهبردها و تاکتیک‌های عملیاتی آن‌ها پی ببرد یا آن را شبیه‌سازی کند.

### بیان مفاهیم

شناخت: در لغت به معنای «آگاهی، بینش، معرفت و علم» می‌باشد (عنصرالمعانی، ۱۳۷۸: ۱۰). اما در اصطلاح «به معنای مجموع حالت‌ها و فرایندهای روانی مانند تفکر، استدلال، درک و تولید زبان، دریافت حواس پنج‌گانه، آموزش، آگاهی، احساسات و... می‌باشد» (کشاورز، ۱۳۹۸: ۲۲) و در علم روان‌شناسی، به افکار، دانسته‌ها، تفاسیر و تعابیر، دریافت‌ها و اندیشه‌های هر فرد و عملکردهای روان‌شناسی آن فرد گفته می‌شود (میرشکاری، ۱۳۸۶: بی‌تا).

جنگ شناختی: یکی از حوزه‌های علوم شناختی، قلمرو دفاعی، یا تهاجمی مورد استفاده نیروهای مسلح می‌باشد که تحت عنوان علوم دفاع شناختی و یا به تعبیری جنگ شناختی مطرح می‌گردد. هرچند برخی معتقدند که جنگ تحمیل اراده‌هاست، اما به نظر می‌رسد با تمرکزی بیشتر و دقیق‌تر، ناگزیر به تعریف بومی هستیم. «جنگ شناختی به معنای نفوذ به زیربنای معرفتی، باورها و اعتقادات و شناخت افراد است و به تعبیری به معنای تسخیر دستگاه معرفت‌شناسی انسان است» (کشاورز، ۱۳۹۸: ۶).

چهار هدف عمده دشمن در جنگ شناختی عبارت‌اند از: ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها، افکار و اندیشه‌ها، رفتارها، و ساختار سیاسی یک جامعه.

شایان ذکر است که بر اساس تعریف منتخب در جنگ شناختی و اشتباهات رایج صورت‌پذیرفته (نوپدید بودن بروندادی جنگ شناختی) با کلیدواژگانی همچون قدرت نرم، جنگ نرم، تهدید نیمه‌سخت، جنگ فرهنگی، جنگ ترکیبی و... در سه گام راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی ممکن است اشتراکاتی با واژگان فوق وجود داشته باشد که شرح و تفصیل آن نیازمند پژوهشی دیگر است.

### بازیگران جنگ شناختی

همان‌گونه که بیان گردید، جنگ شناختی یکی از حوزه‌های کاربردی علوم شناختی است و در نگاه کلی به بررسی سلسله‌اعصاب، نوروها و به‌طور کلی مغز و فعالیت آن، در قالب فعالیت‌های ذهنی، تغییرات حاصله و کنش‌های مغزی، اقدام به فعالیت می‌کند و این علوم بی‌شک در زندگی مردم دارای تأثیرات قابل توجهی است و بر این اساس است که به آینده تعلق دارد و لذا «آگاهی» به‌عنوان مسئله نهایی مطرح شده و طبق این بیان با توجه به کاربرد آن ذیل یکی از دو علوم تجربی و یا انسانی جای می‌گیرد. محققان فعال در این حوزه با تمرکز بر روی نحوه نمایش پردازش و انتقال اطلاعات توسط سیستم عصبی، به مطالعه رفتار انسان می‌پردازند. در واقع آن چیزی که اهمیت دارد، زبان، ادراک، حافظه، توجه فرد و احساسات اوست.

پس با این نوع نگاه، پرداخت به مسائل شناختی و جنگ شناختی، به‌مثابه ابزاری قدرتمند و غیرقابل انکار در حوزه‌های عام و خاص زندگی است و از این رو می‌توان گفت: جنگ شناختی «هنر استفاده از فناوری‌ها برای تغییر شناخت اهداف انسانی» است.

این جنگ جزئی از نبرد هوشمند است و به‌همین جهت، شباهت بسیاری به جنگ‌های ترکیبی دارد، تا جایی که شاید تمیز دادن آن از مدل جنگ‌های ترکیبی بسیار سخت باشد. جنگ‌های ترکیبی ممکن است هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی طیفی از بازیگران بی‌دولت هدایت شوند (مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۹۶: ۱۶). جنگ شناختی

فقط مبارزه با آنچه مردم فکر می‌کنند، نیست؛ بلکه مبارزه با طرز فکر آنهاست و اگر بتوان طرز فکر مردم را تغییر داد، بسیار قدرتمندتر و فراتر از اطلاعات به دست آمده برای نبردهاست.

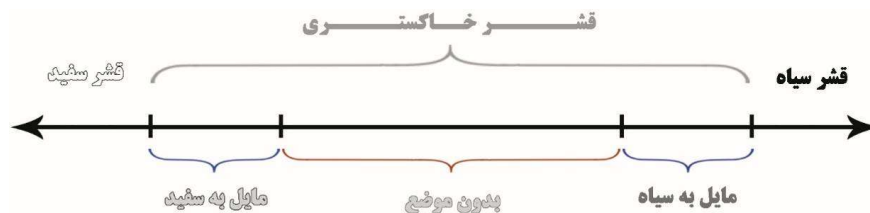
محدوده این نبرد، از فرد گرفته تا دولت‌ها و سازمان‌های چندملیتی را در بر می‌گیرد و دامنه جهانی دارد.

بازیگران این عرصه، در دو لایه به هم پیوسته، به عموم مردم و نخبگان جامعه تقسیم می‌شوند. نخبگان در یک جامعه (علمی، صنفی، اجتماعی، سیاسی و...) به عنوان بازیگران اصلی، پیایی در لایه‌های مختلف با توجه به دسترسی‌های خود، نقش تأثیرگذاری در سطح جامعه را دارند (کشاوری، ۱۴۰۰: ۸۴). فراموش نشود که پیوسته در معرض پیام‌های مختلف صادرشده از سوی دشمن هستیم، که خودآگاه و یا ناخودآگاه، قوه ادراکی ما در حال تغییر است. حال مردم با وجود این پیام‌ها (در کنار بازیگران اصلی) نقش تأثیرپذیری را داشته و این تحولات در سطح اجتماع و در تصمیم‌گیری‌های فردی نقش دارد.

### تقسیم‌بندی و طیف‌بندی مردم و مخاطبان در جنگ شناختی

به جهت آشنایی با حدود و ثغور فعالیت و تناسب فرم و محتوا، لازم است تعریف مشترکی نسبت به مخاطبان داشته باشیم تا بتوانیم در برنامه‌ریزی‌ها با دید وسیع‌تری تحلیل نماییم.

اگر دو سر طیف مخاطبان را به دوگانه حق و باطل یا ظلمت و نور تشبیه کنیم، به نمودار زیر دست می‌یابیم:



مبنای این تقسیم‌بندی، مفاد آیه شریفه ۲۵۷ سوره مبارکه بقره است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ

الطَّاعُونَ يُجْرِحُونَهُمْ مِنَ الثُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ (بقره / ۲۵۷).

در بیان اندیشمندان معاصر، جامعه در یک تعریف کلی، به عوام (قشر خاکستری) و خواص (کنشگران فعال اجتماعی) تقسیم می‌شود. قشر خاکستری یا عوام معمولاً اکثریت اجتماع را شکل می‌دهند و در اکثر موارد، توده‌وار عمل می‌کنند. خصوصیات هر یک از اقشار مخاطبان که در نمودار فوق مشخص گردیده است، بدین گونه می‌باشد که: قشر سفید و سیاه که در دو طرف نمودار فوق واقع شده‌اند، همان خواص یا کنشگران فعال اجتماعی هستند که بر اساس عقیده و جهان‌بینی‌شان، در موضع خود استوارند؛ اما قشر خاکستری که طیفی بسیار وسیع و به‌عنوان یک ابرگروه محسوب می‌شوند، به سه دسته تقسیم می‌گردند: «قشر خاکستری مایل به سیاه، قشر خاکستری مایل به سفید، و قشر خاکستری بدون موضع». از ویژگی‌های طیف اجتماعی سفید و سیاه این است که نه تنها تابع جو عمومی نیستند، بلکه به نسبت ظرفیت درونی، فضای عمومی را به نفع جریانی که بدان وابستگی دارند، تغییر می‌دهند. این طیف به دنبال مدیریت افکار عمومی و یارگیری از طیف خاکستری هستند. طبق بیان آیات قرآنی، طیف خاکستری پیرو قشر سیاه به «ضالین»، و خواص طرفدار باطل که همان طیف سیاه هستند، به «مغضوب‌علیهم» تقسیم می‌شوند (ر.ک: مقام معظم رهبری، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه»، ۱۳۷۷/۱۰/۱۸).

رهبر معظم انقلاب در بیانی دیگر به تقسیم‌بندی مردم اشاراتی دارد:

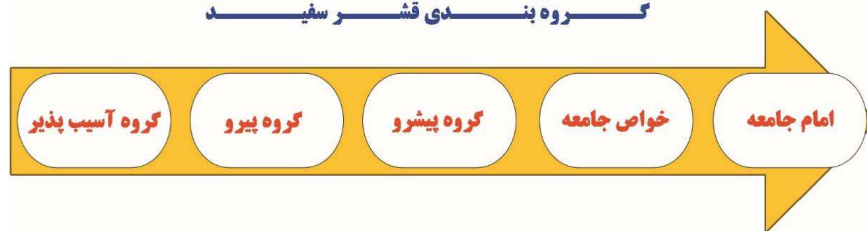
«به جماعت بشری که نگاه کنید، در هر جامعه و شهر و کشوری، از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند، راهی را می‌شناسند و در آن راه - که به خوب و بدش کار نداریم - گام برمی‌دارند. یک قسم این‌ها ایند که اسمشان را خواص می‌گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه راهی درست و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی‌خواهند بفهمند، بسنجند، به تحلیل پردازند و درک کنند. به تعبیری دیگر، تابع جَوّند. به چگونگی جَوّ نگاه می‌کنند و دنبال آن جَوّ به حرکت درمی‌آیند. اسم این قسم از مردم را عوام می‌گذاریم. پس جامعه را می‌شود به خواص و عوام تقسیم کرد.... خواص که می‌گوییم - از خوب و بدش - (خواص را هم باز تقسیم خواهیم کرد)، یعنی کسانی که وقتی عملی انجام

می‌دهند، موضع‌گیری‌ای می‌کنند و راهی انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تحلیل است. می‌فهمند و تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. این‌ها خواص اند. نقطهٔ مقابلش هم عوام است. عوام یعنی کسانی که وقتی جوّ به سمتی می‌رود، آن‌ها هم دنبالش می‌روند و تحلیلی ندارند. یک وقت مردم می‌گویند: «زنده باد!» این هم نگاه می‌کند، می‌گوید: «زنده باد!» یک وقت مردم می‌گویند: «مرده باد!» نگاه می‌کند، می‌گوید: «مرده باد!» یک وقت جوّ این‌طور است؛ اینجا می‌آید. یک وقت جوّ آن‌طور است؛ آنجا می‌رود! ... پس خواص یک جامعه، به دو گروه خواص طرفدار حق و خواص طرفدار باطل تقسیم می‌شوند... هر کس که از روی بصیرت کار نمی‌کند، عوام است...» (مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ﷺ»، ۱۳۷۵/۰۳/۲۰).

این نکته نیز لازم به بیان است که برخی جامعه‌شناسان، از خواص تحت عنوان «نخبگان»<sup>۱</sup> گروه‌های مرجع و یا صاحبان پایگاه‌های اجتماعی» بحث می‌کنند. گرچه نخبگان، گروه‌های مرجع یا افراد دارای پایگاه اجتماعی در علم جامعه‌شناسی، با خواص مورد نظر ما تفاوت‌هایی دارند، لکن از آن رو که در نفوذ اجتماعی و تأثیر در شکل‌گیری مواضع و ذهنیت توده‌ها، همانند خواص می‌باشند، با بحث خواص مرتبط هستند (سلیمانی امیری: ۱۳۸۹).

در قشر سفید نیز تقسیم‌بندی جزئی‌تری وجود دارد:

#### گروه بندی قشر سفید



قشر خاکستری مایل به سیاه و سفید، زمینه، تمایل و جهت‌گیری رفتاری و افکاری به سمت قشر سیاه و یا سفید را دارند، و قشر خاکستری بدون موضع به‌عنوان گسترده‌ترین طیف مخاطبان، معمولاً اکثریت اجتماع را شکل می‌دهند و از جمله ویژگی‌های این گروه می‌توان به این موارد اشاره نمود: تصمیم‌گیری و تفکر از روی تحلیل ندارند، پیرو

1. Elite.

هستند و پیروی‌شان بر اساس اتمسفر عمومی است که توسط کنشگران فعال اجتماعی کنترل و مدیریت می‌شود و به تعبیری استقلال فکری ندارند و نکته حائز اهمیت اینکه این طیف دربرگیرنده اقشار مختلف جامعه اعم از کارگر، دانشجو، نظامی، روحانی، مشاغل آزاد و... هستند (عبداللهی: ۱۳۹۹).

### ارتباط بین چالش‌های اجتماعی و درگیری ذهنی در حملات شناختی

ما در عصر بهره‌مندی از ابزارهای نوین با عملکرد مبتنی بر هوش مصنوعی و فناوری‌های ارتباطی قرار داریم. امروزه عرصه‌های نبرد لزوماً فیزیکی نیست. بسیاری از اوقات، ما در وضعیت جنگی هستیم که وابسته به حرکت نیروهای محرکه نظامی نیست. ما در مواجهه با تغییر در ویژگی‌های نبرد هستیم و دشمن در این جنگ با روایت‌سازی و مدیریت روایت‌ها به دنبال ایجاد چالش ذهنی است (ر.ک: کشاورز، ۱۴۰۲: ۴۰).

متأسفانه در این مسیر، نگرش مقابله‌ای با دشمن، محدود به اقدامات پدافندی شده و با توجه به تشویش و اضطراب ذهنی جبهه انقلاب که منجر به تصمیم‌سازی رفتاری می‌گردد، همه توان و ظرفیت پدافندی نیز معطوف به مقابله با تسخیر اذهان و قلوب طیف‌های مختلف مردم شده است و چه‌بسا از اصل غافل شده‌ایم.

یکی از این مسائل، وقوع نتایج حاصل از چالش‌های ذهنی است که منجر به ایجاد شکاف اجتماعی و چالش اجتماعی می‌شود. با توجه به تقسیم‌بندی مخاطبان در سطح جامعه، اغلب مخاطبان را طیف خاکستری بی‌موضع تشکیل می‌دهند که با توجه به جو عمومی و پیروی از کنشگران فعال، در این میدان نقشی مهم و حساس دارند.

جنگ شناختی، نسخه تدوین‌شده دشمن (کنشگری بیرونی و خارجی) برای به‌تحرك درآوردن مخاطبان در جامعه داخلی (محیط درونی) و مدیریت باورها، ادراکات، رفتارها و تحرکات آنهاست و نقش مخاطبان یا عوامل جامعه داخلی به بازیگری و به واقع، بازی‌خوری محدود است (همو، ۱۳۹۸: ۹۲).

این جنگ، همه‌جانبه و چندبعدی است. از این رو، نبرد دشمن در محیط‌های مختلف هدایت می‌شود و در صورت نتیجه دادن در یک یا چند محیط یا تسهیل نفوذ، این محیط‌ها مورد تمرکز بیشتری قرار می‌گیرد.

از این روست که تبدیل شدن درگیری ذهنی به چالش اجتماعی، با توجه به ظرفیت و آمادگی جامعه و تناسب شرایط و محیط، به صورت پیوسته و با یک سناریوی هماهنگ توسط دشمن بازطراحی شده و در مقابل نیز ما به اقتضای وظیفه با برطرف نمودن گسل‌های اجتماعی شکل گرفته، آرام‌سازی جامعه، اقناع‌سازی افکار عمومی و افزایش تاب‌آوری می‌توانیم سوگیری‌های شکل گرفته ذهنی - رفتاری مردم را کاهش دهیم (ر.ک: همو، ۱۴۰۲: ۲۰۶).

### مسائل و چالش‌های ذهنی، نقشه ذهن و پارادایم حاکم بر ذهن

با توجه به سرعت رشد تغییرات و مواجهه بودن با محرک‌های گوناگون، نیازمند انعطاف‌پذیری آگاهانه به‌عنوان یک توانایی هستیم که به آن «ذهن انعطاف‌پذیر» می‌گویند (همان: ۴۰).

یکی از ویژگی‌های ذهن انعطاف‌پذیر، توانایی سازگاری و مقابله با دشواری‌ها و وجود مسائل جدید محیطی است که نتیجه آن، توانایی تاب‌آوری درونی و حل مسائل پیچیده است. تقویت ذهن انعطاف‌پذیر موجب حل مسائل ذهنی و مقابله هوشمندانه با چالش‌های ذهنی است.

در این مقابله هوشمندانه، کنترل ذهن یکی از گام‌های مهم این چالش ذهنی است که باعث اصلاح نگرش‌های ذهنی می‌گردد.

بازیگران نبرد شناختی، دائماً با مسائل جدید ذهنی مواجه هستند و انبوه مسائل باعث ایجاد چالش در ذهن خود و مخاطب می‌گردد. مواجهه هوشمندانه با چالش‌های پیش رو و حل این مسائل با تأکید بر ذهن انعطاف‌پذیر، باعث عبور از این مواجهه است. در این راه ابتدا باید به ترسیم یک نقشه ذهنی برای هر چالش اقدام نمود.

«نقشه ذهنی»، نموداری درختی است که برای بیان فعالیت‌ها، اقدامات، ایده‌ها، و بروز خلاقیت، طراحی می‌گردد، که به‌جهت تولید و سامان‌دهی و ساختاردهی ایده‌ها و افکار در فرایند حل مسئله به‌جهت تصمیم‌سازی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (حسینی، ۲۰۲۰).

عناصر نقشه ذهنی به‌صورت ادراکی و بر اساس اهمیت، در قالب و شاخه‌های متفاوت قرار گرفته و برای مرور حافظه به کار بسته می‌شود. ترسیم نقشه، راهی ساده



برای پیکربندی و ساختاردهی به اطلاعات ورودی است. نکته مهم در ترسیم نقشه ذهنی، ارائه نمای شعاعی و غیرخطی است که با ساختارهای خطی بسیار تفاوت دارد. درک سریع، صحیح و مؤثرتر از داده‌های ورودی در مراتب شعاعی، باعث ایجاد اتصال بین مسائل مختلف و کمک به حل و پیشبرد مسائل می‌گردد.

البته نباید وجود پارادایم (الگوواره) را به جهت داشتن یکسری الگوهای فکری برای گرفتن تصمیمات و قضاوت نسبت به موضوعات، فراموش کرد. ذهن ما پر از الگوواره‌هایی است که بر اساس آموزش‌هایی که دیده‌ایم، مسائلی که پیشتر با آن مواجه شده‌ایم، تصاویر ذهنی که با خیالات و وهمیات در ذهن ایجاد نموده‌ایم، مفاهیمی که پذیرفته‌ایم و کارهایی که مکرر انجام داده‌ایم، شکل گرفته است. هرچند این الگوهای ذهنی، دیر در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرند، اما نکته مهم، دشواری جایگزینی آن با الگوی جدید است. گرایشات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افراد، دستخوش تغییر پارادایم‌ها شده و به انحراف از معیار در طولانی مدت منجر می‌گردد.

این نکته را نیز نباید فراموش نمود که وجود چالش‌های جدید ذهنی باعث تغییر پارادایم‌ها می‌گردد؛ یعنی ایده‌های قدیمی با توجه به بن‌بست رسیدن امور، کنار گذاشته شده و ایده‌های جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند. اینجاست که ممکن است به حل مسائل و راه‌های جدید منتهی گردد.

به جهت جلوگیری از انحراف معیار برای ادراک مسائل و تصمیم‌سازی، نیازمند یک پارادایم حاکم بر ذهن هستیم. حفظ اصول و نگرش ما نسبت به کلیات مسائل با توجه به شرع اسلام، آن پارادایم حاکمی است که تغییرناپذیر بوده و بقیه مسائل حول محور این الگوواره شکل می‌گیرند؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در نظریه نظام انقلابی خود به صورت تلویحی این نکته را خاطر نشان نموده است:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست» (مقام معظم رهبری، «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

اشاره رهبری به حفظ اصول اصلی این انقلاب و تغییرات و انعطاف در مسائل خود است.

در جنگ شناختی و با توجه به شکل گرفتن شبکه نیروی انسانی، بسیاری از اختلافات و تضادهای بین نخبگان، به دلیل وجود اختلاف در زاویه دید و نحوه نگرش آنهاست و از آنجا که هر کس فقط زاویه دید خود را درک می‌کند، گمان می‌کند که این تنها نتیجه‌گیری درست است. معمولاً ذهن افراد در چارچوب درونی خودشان قفل می‌شود و به همین دلیل، نگرش متفاوت دیگران را درک نمی‌کنند. چارچوب‌های ذهنی افراد، نحوه نگاه آنها به خودشان، دیگران، رویدادها، اشیا، مناظر و خلاصه دنیای اطراف را تعیین می‌کند. به همین دلیل، افراد مختلف هنگام تشریح یک حادثه یا یک موضوع یا منظره، تعریف‌های کاملاً متفاوتی ارائه می‌دهند.

کارایی مغز و ذهن فقط منحصر در «به‌خاطر سپاری اطلاعات» نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن «ضمیر ناخودآگاه» است که ممکن است در اثر بی‌توجهی، صدمات جبران‌ناپذیری بر انسان وارد سازد. با وجود این، در جنگ شناختی اگر بتوان ذهن را مدیریت نمود، نتایج ادراکات نسبت به گذشته ارتقاء می‌یابد و افکار منفی دور نگه داشته می‌شود و احساس سردرگمی رخ نمی‌دهد، قدرت تمرکز نیز سرعت فزونی به خود می‌گیرد و قدرت تصمیم‌بازایی می‌شود، آرامش روانی بیشتری برای افراد حاصل می‌گردد و اصطلاحاً ذهن خود را صرف مسائل بیهوده نمی‌کند. اگر در یک نزاع بتوان سیستم درونی خود و دشمن را به‌خوبی شناسایی نمود، این امکان وجود دارد که بتوان رفتارها را پیش‌بینی کرد. این رفتار به‌طور کامل قابل شبیه‌سازی است.

ذهن می‌تواند بر موجودیت انسان تأثیر بگذارد. جهت‌دهی به ذهن منجر به جهت‌یافتن ادراکات، حالات و در نتیجه رفتارهای انسان‌هاست. ماهیت عمیق و نیرومند ناخودآگاهی انسان‌ها تحت تأثیر ذهن برنامه‌ریزی شده و به حرکت درمی‌آید. پس این موضوع فوق‌العاده مهمی است که چه ذهنیتی به آن خط و جهت می‌دهد (کشاوری، ۱۴۰۲: ۳۶).

اگرچه احساس نخبگان در یک شبکه، این است که خود به‌صورت آگاهانه تصمیم می‌گیرند، اما به‌واقع بیشتر خواسته‌ها، احساسات و رفتارهای افراد، ورای ضمیر هوشیار آنان بوده که تعبیر به «ناهوشیاری سازمان‌یافته» می‌شود؛ یعنی «نحوه درک انسان از دنیای اطراف منجر به معاف بودن از محاسبات و تفکرات فراوان و تصمیم‌گیری

و نتیجه‌گیری سریع و واکنش بلافاصله برای انسان می‌شود» و این استفاده بیش از حد از ناهوشیاری سازمان‌یافته است که در ضمیر ناخودآگاه انسان جای می‌گیرد و کنترل رفتار، تصمیم‌گیری و افکار را در دست می‌گیرد (حق‌شناس گرگابی و دیگران، ۱۳۹۶). این ناهوشیاری دارای پنج ویژگی است: «ناآگاهانه، سریع، غیرعمدی، غیرقابل کنترل و بی‌تلاش صورت می‌گیرد»؛ در مقابل افکار آگاهانه که «کنترل، با قصد قبلی و تحت کنترل و با تلاش صورت می‌گیرد». به علاوه، نگاه داشتن آگاهانه ذهن بر روی موضوعی خاص، هنگامی که حواس انسان پرت می‌شود یا ذهن درگیر موضوع دیگری است، بسیار دشوار است. در اینجا است که داشتن یک الگوواره حاکم بر مسائل برای یک فعالیت جمعی و شبکه‌ای، کمک می‌کند که نخبگان جنگ شناختی، نقشه ذهنی خود را با کمک همدیگر ترسیم نموده و با آگاهی از ضمیر ناخودآگاه خود و بقیه (مهندسی ذهن) و با آگاهی ذهنی، راهی برای حل مسائل و عبور از چالش‌های ذهنی ایجاد شده بیابند.

### تأثیر بازیگران در جنگ شناختی به عنوان سرمایه انسانی

عمده فعالیت دشمن در جنگ شناختی، نفوذ به ذهن تک‌تک افراد برای دستکاری‌های ذهنی، تغییر نگرش، تغییر و تسلط بر مدل تحلیل اطلاعات در افراد، اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات افراد، پیش‌بینی کنش‌های رقیب، مدیریت هیجانات و احساسات، حب و بغض‌ها، مدل‌سازی ریاضی فرایندهای ذهنی، استفاده حداکثری از هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین و سایر اقداماتی از این دست و فراتر از آن است.

یکی از مسائل اختلافی در این عرصه، لایه کنترلی انسان یعنی مغز است. شاید این تصور که مغز، مرکز فرماندهی انسان است و صدور فرمان برای اعضای بدن بر عهده این عضو است، تصویری نادرست باشد. دانیل کانمن، روان‌شناس با تأکید بر مسائلی که در کتاب *نبرد برای تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها* توسط پنتاگون به چاپ رسیده، اثبات می‌کند که قلب شکل‌دهی به اعمال و رفتارهای ما و تصمیم‌گیری بر اساس هیجانات و احساسات را بر عهده دارد. از این جهت در جنگ شناختی، ذهن فقط مرکز فرماندهی

اعمال نیست... این قلب است که به‌عنوان مرکز کنترل احساسات، علایق، هیجانان، و... به‌عنوان بخش تأثیرگذار رفتار ما را شکل می‌دهد (Lennon, 2003).

نخبگان جامعه اعم از مسئولان، متخصصان و گروه‌های مرجع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با هر سلیقه و گرایش، مورد تهاجم شناختی دشمن و مخاطرات ناشی از هرگونه رفتار هیجانی مبتنی بر منفعت فردی بر جامعه هستند.

از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی نظام، از آثار این جنگ شمرده می‌شود که نتیجه مخاطرات در حوزه سرمایه شناختی جامعه هدف است. برای این منظور، دشمن با مستندسازی‌های پیچیده و حيله‌های رسانه‌ای، زیرساخت‌های فکر مذهبی نظام را زیر سؤال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه‌رو می‌سازد. رکن مهم در این جنگ، نبرد ذهن‌ها و اراده‌هاست.

تقسیم‌بندی سطوح بازیگران این عرصه (از منظر نخبگانی) به‌عنوان یک سرمایه انسانی، در سه سطح می‌باشد:

**نیروی میدانی:** بازیگرانی که در میانه میدان حضور دارند و مأمور انجام عملیات در نقطه یا جمع‌آوری اطلاعات از یک نقطه خاص هستند. این افراد از اتاق عملیات و نیروهایی که عملیات را طراحی کرده‌اند، خبر ندارند، اما اتاق عملیات از همه نقاط آن منطقه خبر دارد.

**نیروی عملیاتی:** بازیگرانی که فراتر از یک نقطه را می‌بینند و کل منطقه را رصد و هدایت می‌کنند. نیروی عملیاتی کسی است که رویکرد و نگاهی بالگردی دارد. او فقط یک نقطه را نمی‌بیند، بلکه کل منطقه را رصد می‌کند؛ اما باز هم نگاهش نسبت به نگاه ماهواره‌ای و راهبردی، خردتر است.

**نیروی راهبردی:** بازیگرانی که فراتر از یک منطقه را رصد می‌کنند. این افراد کلیت مناطق را بر اساس شرایط تاریخی و جغرافیایی فرازمانی و فرامکانی لحاظ می‌کنند و نگاهشان یک نگاه کلان و راهبردی است.

عملکرد غیرتشکیلاتی نیروهای سطوح مختلف در جنگ شناختی، منجر به آسیب‌های بسیار زیادی برای انقلاب اسلامی شده است.

هرچند ممکن است مردم نیز در یکی از این دسته‌های سه‌گانه جای گیرند، اما

فراموش نشود که مردم به‌عنوان مخاطب این سه دسته هستند و نقش مردم به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه قدرت در جنگ شناختی در کنار عناصر دیگر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این مؤلفه‌ها ممکن است به حفظ و توسعه حکومت اسلامی و یا نابودی آن منجر گردند.

توان در اختیار گرفتن منابع انسانی (فرد یا خانواده، گروه یا تشکیلات، نخبگان اجتماعی - فرهنگی و...)، همفکر و همگام نمودن آن‌ها و در اصطلاح «مدیریت و سازمان‌دهی سرمایه انسانی» البته با انگیزه‌های مختلف، به‌عنوان یک منبع قدرت محسوب شده که در جریان‌سازی تحولات جامعه، بسیار تعیین‌کننده است و بهره‌مندی از شکل مناسب به‌کارگیری از این توان در کنار هوشمندی در ایجاد تحولات و مهارت در روابط اجتماعی، به‌عنوان ابزارهای مورد استفاده در این مسیر می‌باشد. ارتباط مستمر، همه‌جانبه، دقیق و حساب‌شده با مؤثرترین نهادهای تأثیرگذار، باعث ایجاد جایگاه، اعتبار و هویت اجتماعی برای صاحبان نفوذ (نخبگان) می‌باشد (ر.ک: مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران»، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

نقش نخبگان در تحولات مختلف بسیار مهم می‌باشد. توسعه و پیشرفت یک حکومت، نتیجه عقلانیت و هماهنگی و ثبات و آرامش و برنامه‌ریزی و مدیریت کارگزاران و تصمیم‌سازان به‌طور دسته‌جمعی می‌باشد (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۵). تصمیماتی که هریک از گروه‌های نخبگان حاکم یا صاحب نفوذ در یک جامعه اتخاذ می‌نمایند، دقیقاً بر رفتار توده مردم تأثیر می‌گذارد.

موتور محرکه پیشرفت در جمهوری اسلامی، نتیجه عمل و فکر نخبگان است (ر.ک: مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). پیشرفت در ابعاد مختلف در سطح کشور، نتیجه ارتباط مستقیم با نخبگان و معاشرت و سامان‌یافتگی میان این افراد با جامعه است.

دو شیوه عمده کنشگری این قشر با جامعه در مسیر گام دوم انقلاب و گذر از مرحله تشکیل دولت اسلامی به جامعه اسلامی، تصمیم‌سازی و الگوسازی است (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۱). تصمیم‌سازی به کنش نخبگانی بر مبنای قدرت و تأثیر مربوط می‌شود و الگوسازی از طریق ایجاد یا عمق بخشیدن به ارزش‌ها و نهادینه کردن

مؤلفه‌های این اقدام در میان مردم شکل می‌گیرد و ماحصل تلاش نخبگانی در سطح جامعه، منتهی به تقویت جنبه‌های مشروعیت، مقبولیت، عدالت، امنیت و کارآمدی در سطح حاکمیت می‌شود (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۱۲). حال با این مقدمه، حماسه‌آفرینی و تلاش جبهه‌ای و همچنین حضور پررنگ میدانی نخبگان و فعالیت شبکه‌ای این قشر در جریان‌سازی تحولات (با ظرفیت گفتمان‌سازی) و نیز تقابل با حرکت جبهه دشمنان در جنگ شناختی، از شناخت نقشه و راهبرد دشمن گرفته تا نفوذ و تخریب ذهنی و تضعیف نظام، می‌تواند منجر به امید در سطح جامعه، انسجام اجتماعی، رسوایی، افول و زوال و ناکامی دشمن، پیشرفت علمی، اثرگذاری معنوی و کیفی‌سازی خدمات گردد و این همان ویژگی شبکه هوشمند است.

ارتقای سطح عقلانیت نخبگان در باب اتخاذ رویکردی دوران‌نیشانه و موسع و اجماع نظر در قبال اهمیت راهبردی این مسئله (عباس‌زاده مشکینی، ۱۳۸۸: ۱۰)، توانمندسازی این قشر برای افزایش زمینه‌های همدلی، تفاهم و تعامل مؤثر با یکدیگر در قبال منافع کلان و بلندمدت نظام و انقلاب، تقویت، حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی شبکه شکل‌گرفته نخبگانی، به‌کارگیری نخبگان و شایستگان در مسئولیت‌های متناسب تصمیم‌سازی، به حداقل رساندن زمینه‌ها و بسترهای بروز منازعه و شکاف بین نخبگان که به کم‌رنگ شدن زمینه‌های همگرایی و تعامل می‌انجامد (قانع‌راد، ۱۳۸۹: ۲۴۶)، کیفی‌سازی و گسترش فعالیت شبکه نامریی نخبگان و تقویت بستر کارآمدی و تحرک اجتماعی از طریق افکار عمومی و متن جامعه، تقویت شایستگی‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی افرادی که مستعد رشد و حرکت به سمت مطلوب هستند (صفی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۹)، دقت و نظارت مؤثر در اهلیت داشتن برای مسئولیت‌ها در کنار تقوا و تعهد دینی و اخلاقی، از جمله وظایف مؤثر حاکمیت نسبت به رویکرد شبکه هوشمند نخبگانی مردمی است.

### نتیجه‌گیری

سرعت رشد تغییرات و مواجهه با محرک‌های گوناگون، نیازمند انعطاف‌پذیری آگاهانه است. در مقابله هوشمندانه با دشمن در جنگ شناختی، کنترل ذهن یکی از

گام‌های مهم چالش ذهنی است که منجر به اصلاح نگرش‌های ذهنی می‌گردد، نتیجه جهت‌دهی به ذهن، جهت یافتن ادراکات، حالات و نهایتاً رفتارهای انسان‌هاست.

با وجود این، در جنگ شناختی اگر بتوان ذهن را مدیریت نمود، نتایج ادراکات نسبت به گذشته ارتقاء می‌یابد و افکار منفی دور نگه داشته می‌شود و احساس سردرگمی رخ نمی‌دهد، قدرت تمرکز نیز سرعت فزونی به خود می‌گیرد و قدرت تصمیم‌بازیابی می‌شود، آرامش روانی بیشتری برای افراد حاصل می‌گردد و اصطلاحاً ذهن خود را صرف مسائل بیهوده نمی‌کند.

در این راه، نقش نیروی انسانی به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی بسیار مهم است و شبکه‌شکل گرفته از نخبگان یک جامعه (نیروی انسانی) همچون یک سیستم با مأموریت‌های متفاوت، به‌سان یک کل (یا بدن انسان) به اهداف بالادستی عمل می‌نماید.

بازیگران نبرد شناختی، دائماً با مسائل جدید ذهنی مواجهه هستند و انبوه مسائل باعث ایجاد چالش در ذهن خود و طیف مخاطب می‌گردد. مواجهه هوشمندانه با چالش‌های پیش رو و حل این مسائل با تأکید بر ذهن انعطاف‌پذیر، باعث عبور از این مواجهه است.

در این مسیر، بی‌نهایت سناریو وجود دارد که با ملاحظه پارادایم جنگ‌های دانش‌بنیان، به یک حرکت سازمان‌یافته دفاعی فناوری‌محور و مردم‌پایه نیازمندیم که با دقت به آرایش میدان نبرد بتوانیم چارچوب اداره‌ی صحنه جنگ شناختی را متناسب با سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تعیین نماییم و پس از آن در محورهای طراحی شده با ابزارهای شناختی به مقابله با هویت‌زدایی و حساسیت‌زدایی (ایدئولوژی‌زدایی) پردازیم.

البته در این بین، نقش مردم و مخاطبان جنگ شناختی نباید فراموش شود و با عنایت به طیف عمده مخاطبان، با مدیریت چالش‌های ذهنی، از تبدیل شدن این چالش‌ها به گسل‌های اجتماعی جلوگیری نماییم.

رسیدن به یک الگوی ذهنی مشترک به‌جهت ایجاد شبکه‌ای از نخبگان برای مقابله با حملات دشمن به‌وسیله مدیریت ادراک برای مصون‌سازی مخاطبان، از جمله تأثیرات

بازیگران این عرصه است. هم‌اندیشی نخبگانی جهت واکسینه‌سازی ذهنی (ذهن آگاهی) یا همان استفاده از تجربیات، بدون قضاوت و توانایی کنترل اراده، گزینه و اصلاح اشتباهات ناخودآگاه، منجر به پرورش آگاهی و هوشیاری با تکیه بر مراقبت و زیر نظر گرفتن توجه و تجربیات بدون قضاوت می‌شود که برای اثرگذاری بر طیف‌های مختلف مردم مخصوصاً طیف خاکستری بسیار مهم و ضروری است.

این واکسینه‌سازی، کمک شایانی به سلامتی نفس می‌نماید. در این جنگ با کاهش نگرانی‌های فکری ناشی از ضمیر ناخودآگاه، می‌توان به پررنگ شدن اهداف عالی حرکت در جبهه حق کمک نمود و پس از عمق‌بخشی و تأثیرگذاری هوشمندانه، هدفمند و متعالی در سطح جامعه، بینش الهی خود را مستحکم‌تر کرد تا بتوان در مقابل دشمن بدون هیچ ترس و واهمه‌ای ایستاد.

جهت عمق‌بخشی و اثرگذاری فرهنگی - اعتقادی در عرصه‌های اجتماعی در سطح داخل و خارج باید زیرساخت‌هایی هم‌تراز با آرمان‌های انقلاب اسلامی را فراهم نمود. جهت دستیابی به این زیرساخت‌ها، ارتباطات هوشمندانه و سازمان‌یافته با نخبگان، نهادهای تأثیرگذار جامعه و شخصیت‌های تراز، لازم می‌باشد.

در این خصوص با ایجاد ساختاری هدفمند، برنامه‌ریزی متناسب، ارتباط هنرمندانه و شبکه‌ای با اقشار مختلف جامعه (طیف‌های مردم)، جهت شناسایی و ارتباط‌گیری و در موارد لزوم بهره‌برداری باید گام برداشت.

در یک کلام، ایجاد سیاست‌های حاکم بر نظام مقابله‌ای و شکل‌گیری یک سازوکار مفهومی در عرصه جنگ شناختی، باعث عمق‌بخشی، تأثیرگذاری هوشمندانه، هدفمند و متعالی در سطح جامعه و همچنین واکسینه کردن و مصون‌سازی فرهنگی بازیگران و جامعه و در نهایت منجر به شکل‌گیری تشکیلات منسجم کارآمد و منعطف و بهره‌مندی از قابلیت شبکه‌ای نخبگان می‌شود.



## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ازغندی، علیرضا، *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران، قومس، ۱۳۷۶ ش.
۳. اسماعیلی، محمدجواد، «تأملی بر مقاله "درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار" و نسبت آن با علوم اجتماعی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۴. انصاری، محمدمهدی، *نخبه‌پروری سیاسی*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۶ ش.
۵. ایزدی، فواد، و بهمن رحیمی، «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آراء و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، *فصلنامه امنیت ملی*، سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۶. پاکدامن، حبیب‌الله، *شبکه‌سازی (چگونگی ارتباط با مردم در شبکه‌سازی ازدیدگاه اسلام)*، قم، قرآن فجر، ۱۴۰۱ ش.
۷. حسینی، سیدمحمد، «نقشه ذهنی چیست؛ آموزش ترسیم نقشه ذهنی»، *مرتا (رسانه آموزشی کتابخوانی و رشد فردی)* به نشانی <https://mertaa.ir/blog/how-to-mind-map>، دریافت‌شده در ۲۰۲۰/۰۵/۰۹ م.
۸. حق‌شناس گرگابی، محمد، علی حیدری، و محمدعلی شاه‌حسینی، «شناسایی ابعاد مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیران استراتژیک در نهادهای حاکمیتی (مورد مطالعه: نمایندگان مجلس شورای اسلامی)»، *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۶ ش.
۹. سلیمانی امیری، جواد، «آسیب‌شناسی نخبگان تأثیرگذار در حکومت علوی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۷)، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۰. صفی‌خانی، بهاره، احمد شمس، و بابک درویشی، «نقش نخبگان بر تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی با تأکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۱. عباس زاده مشکینی، محمود، «بایسته‌های نخبه‌پروری سیاسی در ایران»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۸/۱۰/۰۸ ش.
۱۲. عبدالله‌پور، نازی، و فریا اسکندر جعفرزاده، «بررسی قشربندی اجتماعی در اسلام»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۳. عبداللهی، سعید، «شیوه فعالیت در شبکه‌های اجتماعی»، قم، اندیشکده زمانه، ۱۳۹۹ ش.
۱۴. عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر، *منتخب قابوسنامه*، تهران، مجیا، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. فولادی، قاسم، علیرضا صابرفرد، و وحید فتوح‌آبادی، «بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت‌گیری آینده آن: شکل‌گیری فضای شناخت»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۰)، زمستان ۱۳۹۶ ش.
۱۶. قانع‌راد، سیدمحمدامین، *مشارکت سیاسی و اجتماعی نخبگان*، تهران، راه‌دان، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. کشاورز، محمود، *راهبرد دشمن در جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. هومو، «راهبرد دشمن در عرصه مدیریتی»، قم، اندیشکده زمانه، ۱۳۹۹ ش.
۱۹. هومو، *رهیافت مقابله‌ای ج.ا.ا. در جنگ شناختی علیه دشمن با تأکید بر شبکه‌سازی هوشمند سرمایه انسانی*، رساله دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۴۰۲ ش.
۲۰. کلاتری، فتح‌الله، «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ا. ایران و راهبردهای مقابله با آن».

- فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی ۵۶)، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۱. محمدی نجم، سیدحسین، جنگ شناختی؛ بُعد پنجم جنگ، تهران، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، جنگ‌های ترکیبی: مروری بر ادبیات، ترجمه محمد جولانی و قاسم فولادی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی، ۱۳۹۶ ش.
۲۳. مقام معظم رهبری، «بیانات، بیانیه‌ها، پیام‌ها، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»، قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له به نشانی <Khamenei.ir>.
۲۴. میرشکاری (ویراستار)، جواد، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، تهران. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. نصوحیان، محمدمهدی، «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، فصلنامه راهبرد یاس سابق (راهبرد توسعه)، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۷ ش.
۲۶. هادی اصل، سیدعبدالصمد، «دسته‌بندی‌ها و طبقات مختلف جامعه از دیدگاه اسلام با تکیه بر نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر»، مقاله در همایش منطقه‌ای علوم سیاسی و روابط بین‌المللی از دیدگاه اسلام، ۱۳۸۹ ش.
27. Claverie, Bernard et François Du Cluzel, "Cognitive Warfare": The Advent of the Concept of "Cognitics" in the Field of Warfare," in: Bernard Claverie, Baptiste Prébot, Norbou Buchler et François du Cluzel (Eds.), *Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance*, NATO Collaboration Support Office - Neuilly (France), 2022.
28. Hartley III, Dean S. & Kenneth O. Jobson, *Cognitive Superiority (Information to Power)*, 2021.
29. Kauppi, Niilo, "Knowledge Warfare: Social Scientists as Operators of Global Governance," *International Political Sociology*, Vol. 8(3), September 2014.
30. Lennon, Alexander T.J. (Ed.), *The Battle for Hearts and Minds: Using Soft Power to Undermine Terrorist Networks (A Washington Quarterly Reader)*, MIT Press, 29 August 2003.